

## جامعه‌شناسی ارزشها و ضد ارزشها در اشعار قیصر امین پور

فرحناز معبودی<sup>۱</sup>

دکتر تورج عقدایی<sup>۲</sup>



### چکیده

ادبیات پدیده‌ای اجتماعی و پدید آورنده اش، عضو جامعه است. بنا بر این تولید ادبی نیز در عین فردی بودن، اجتماعی است. حتی بسیاری از موضوعات ادب غنایی مثل عشق، مرگ، تقدیر، باورها، و... در غالب موارد، با مسایل اجتماعی عصر گوینده پیوند دارد. اثر ادبی، مسایل جامعه را گاه آشکار و گاه پوشیده و در لفافه بیان می‌کند. در میان آثار ادبی ایران، ادبیات معاصر ما بیش از ادبیات سنتی به مسایل اجتماعی حساسیت نشان داده است.

موضوع مقاله حاضر بررسی ارزشها و ضد ارزشها در شعر قیصر امین پور است. بنابراین ابتدا نگاهی گذرا به شعر، جامعه‌شناسی شعرو ارزش و ضد ارزش در شعر از منظر جامعه‌شناسی می‌افکنیم و سپس مصادیق مفاهیم ارزشی و ضد ارزشها را در آثار امین پور یافته و زیر عنوان های: مدارا، راستگویی، قدر شناسی و... در بحث ارزشها و ریا، سست عنصری، سودجویی و... در قسمت ضد ارزشها، دسته بندی و بررسی می‌نماییم.

کلید واژه: جامعه، شعر، قیصر، ارزش، ضد ارزش

۱- دانشجوی کارشناسی ارشد زبان و ادبیات فارسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد کرج، ایران

۲- دانشیار دانشگاه آزاد اسلامی واحد زنجان، ایران

## درآمد

”حکم شعر حکم بازی است که در آن هر که باخت برنده است.“ (سارتر، ۱۳۸۸، ۷۷) و دیگر آنکه «شعروسیله نیست، هدف هم نیست، شعر هستی است. از یک بینهایت شروع به حرکت کرده و تا یک بینهایت ادامه خواهد یافت.» (ضیاءالدینی، ۱۳۸۹، ۳۵) و در نهایت اینکه شعر، روح بلند پرواز و بالاگرای بازیست که دل به لبخند نمیندند و همسفره‌ی زاغ نمیگردد. (شریعتی، ۱۳۷۶، ۱۴۶) و البته که از غفلت و هر آنچه که در اجتماع و زندگی مردم سستی ایجاد کند بیزار است و فریاد می‌زند: «من اما دیگر از هر خواب بیزارم» (مصدق، ۱۳۷۷، ۱۳).

بنابراین شناخت واقعی شعرمنوط و موکول به شناخت جامعه است. (زرین کوب، ۱۳۷۹، ۲۷) شعر امروز، درونمایه‌ی اجتماعی دارد. شعری که دیگر زورمداران را ستایش نمی‌کند و کالایی بیقدر در ازای صله‌ی ناچیز نیست تا به انحطاط کشیده شود. شعر امروز انعکاس دردهای جامعه‌ی خویش است. (ضیاءالدینی، ۱۳۸۹، ۴۲) شاعر عصر ما از دیگران جدا نیست. او می‌کوشد که برآلام کهنه‌ی مردم مرهم نهد و امید بخش روشنای فردای زندگیشان باشد. «شعر امروز مقبول است زیرا در نفوس مردم تأثیر بیشتری دارد. شاعر هر قدر بیشتر در بین عامه برای خود همدرد پیدا کند همان قدر قبولش بیشتر است.» (زرین کوب، ۱۳۷۹، ۳۲) شعر قیصر امینپور شعر آلام مردم است از این رو شعر جامعه است. او در اشعار خود از انتظارات و آرمانهای مردمی سخن می‌گوید که با او در فضایی مشترک زندگی می‌کنند، چنانکه خودبرآن است که «شاعران از میان مردم برمیخیزند و می‌بالند... و پیوستگی و نسبتی با فرهنگ عامه دارند.» (امینپور، ۱۳۸۶، ۱۵۱)

شعر قیصر در آغاز به دلیل خاستگاه ایدئولوژیکش بیشتر روایت آرمان خواهی انسان انقلابی و بیانگر فضای اجتماعی و سیاسی پس از انقلاب بوده است. او عناصر

زبانی و ایماژهای شاعرانه را برای بیان محتوای جامعه گرایانه‌ی شعرش به کار گرفت. این محتوا در آغاز به روایت تقابل و کشاکش ازلی خیر و شر و به ستیز با بیعدالتی میپرداخت. اما تجربه‌های مستقیم و غیرمستقیم او به تدریج این قطعیت را به نسبت و جزئیگرایی را به تشکیک فلسفی تبدیل کرد. او که زمانی به سبب شرایط اجتماعی - سیاسی (انقلاب و جنگ) به بیان ارزشها پرداخته بود، پس از طی شدن این دوره و با پایان یافتن جنگ تحمیلی و تبدیل برخی ارزش‌ها به ضد ارزشها؛ به سبب تعهد و حساسیتی که نسبت به سرنوشت کشور و مردم در خویش احساس می‌کند، راهی جز مبارزه با این ضد ارزشها نمی‌یابد.

### مبانی نظری تحقیق

بررسی ارزشها و ضد ارزشها در آثار شاعران و نویسندگان از مباحث جامعه شناسی ادبیات به شمار می‌آید بنا بر این مبانی نظری این پژوهش از جامعه شناسی ادبیات که موضوع آن مطالعه‌ی رابطه‌ی بین ادبیات و جامعه است، گرفته شده است و از آنجا که ادبیات به عنوان بخشی از هنر در برگیرنده‌ی شعور و آگاهی اجتماعی است، می‌توان بخش عمده‌ی آن از فرهنگها و خرده فرهنگهای رایج در جامعه‌ی نویسنده را در آن مشاهده کرد. (ضیاءالدینی، ۱۳۸۹، ۳) شعر معاصر ایران هم که امروز همگام با تحولات اجتماعی پیش می‌رود، از این جهت قابل تأمل است. (همان، ۱۳۸۹، ۴۴)

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

برای امین پور «شعر» پاره آتشیست که به زندگی او روشنائی و گرما می‌بخشد و به واسطه‌ی آن احساس «بودن» می‌کند، بودن با کلام، کلامی که قداست آن به تاریخ بازمی‌گردد و اگر از این دریچه به شعر نگریسته شود، راه‌های تازه‌ی برای دریافت‌های خواننده باز می‌شود:



اگر این ارزش‌ها مورد اعتنای جامعه قرار گیرد، ارزش اجتماعی خواهند بود. (صانعی، ۱۳۷۲، ۱۰۰) ارزش اجتماعی اهداف و مقاصد مطلوب و موردنظر جامعه است که از یک جامعه به جامعه‌ی دیگر تفاوت دارد. (ترابی، ۱۳۴۱، ۱۱) اما آنچه در بررسی ارزش‌های اجتماعی مهم می‌نماید این است که ارزش‌های اجتماعی در جامعه خلق میشوند و عوامل زیستی و وراثتی در بروز آنها نقشی ندارند. (ستوده و شهبازی، ۱۳۸۱، ۱۶۱)

قیصر امین‌پور شاعر ارزش‌هاست و ارزش‌های انسانی جایگاه ویژه‌ی در اشعار او دارد. به عقیده‌ی صالح علاء «قیصر در دوران زندگی‌اش معلمی بزرگ بود. او در طول زندگی‌اش لحظه‌ای به نان و نام فکر نکرد و قدمی برای شهرت برنداشت.» (یادنامه، ۱۳۸۶، ۳۴)

جامعه‌شناسان ارزش‌های اجتماعی را به سه گونه تقسیم می‌کنند: ارزش‌های غایی، نسبی و ویژه. ما در این نوشته می‌کوشیم مصادیق این ارزش‌ها را در شعر امین‌پور بیابیم و گزارش کنیم.

### ۱- ارزش‌های غایی

ارزش‌های غایی به آن دسته ارزش‌هایی اطلاق می‌شود که در تمام زمانها و در همه جوامع مطلوب و خواستنیاند. مثل: فروتنی، انصاف، عدالت، مدارا و... (ستوده و شهبازی، ۱۳۸، ۱۶۲)

#### ۱-۱- مدارا

مدارا از جمله ارزش‌هاییست که صدایی منفعل و پذیرا دارد. صدایی که بیان‌کننده‌ی حالت "کنش‌پذیری" و «اثربرداری» است. این مدارا گری بیشتر در شعرهای پس از جنگ قیصر امین‌پور دیده می‌شود. مثلاً در شعرهای زیر میتوان به وضوح کنار آمدن

شاعر را با وضع موجود به سبب شرایط اجتماعی مشاهده کرد:

بغضهای کال من چرا چنین / گریه‌های لال من چرا چنین! /... نسل اعتراض انقراض  
یافت / حیف شد زوال من چرا چنین؟! / (آیینه‌های ناگهان، ۱۳۷۲، ۱۰۰)  
به باد حادثه بالم شکست، چه باک / خوشا پریدن باین شکسته بالیها /... (دستور  
زبان عشق، ۱۳۸۶، ۶۱)

او با زبانی ساده در شعری که برای نوجوانان سروده است زندگی را ترکیبی از غم  
و شادی میدانند که باید با آنها کنار آمد:  
زندگی ترکیب شادی با غم است / دوست میدارم من این پیوند را / گرچه میگویند:  
شادی بهتر است / دوست دارم گریه با لبخند را (همان، ۱۸)

## ۲-۱- راستگویی

قیصر صادق است و از آنجا که واقعیات اجتماعی را پنهان نمی‌کند؛ میتوان تفاوت  
گفتمان وی را در شعرهایی که در دوره‌های مختلف سروده است آشکارا ملاحظه کرد.  
آن سان که در بیشتر شعرهای دروهِی اول او میتوان به حال و هوای شرایط اجتماعی -  
سیاسی و زنده بودن آرمانها و ارزشها تنها با یک بررسی ساده از نظر ساخت و محتوا و  
سبک شعرها، دست یافت. صدای او پژواک صریح صدای ایران معاصر در شعر کسی  
است که جوانی خود را با دل دادگی به تحولات اجتماعی و با ایدئولوژی خاصی آغاز  
کرده است. شعر او صدای مردم عادی جامعه‌ی ایرانی را منعکس می‌کند؛ نه نخبگان  
فکری و ادبی را. بنابراین تمامی شعرهای او حکایت از راستگویی او دارند. او همه  
چیز را آنگونه که هست به تصویر میکشد نه آنگونه که خوشایند عده‌یی باشد:  
نه از مهر و نه از کین مینویسم / نه از کفر و نه از دین مینویسم / دلم خون است  
میدانی برادر / دلم خون است، از این مینویسم (در کوچه آفتاب، ۱۳۸۷، ۱۳۰)



آفتاب گردانند، ۱۳۸۵، ۸۲)

#### ۴-۱- صبر و شکیبایی

واژه‌ها و ساخت‌های زبانی در اشعار قیصر از بار اعتقادی سرشارند. و شاخص‌های ارزشگذار و نشانه‌های مرزساز در ادوار شعری او کاملاً روشن است. آن دسته اشعاری که در زمان انقلاب و جنگ سروده شده‌اند سرشار از واژه‌های زنده و محرک و مملو از بار احساسی و عاطفه‌ی ایدئولوژیک است:

ما از جنس پینه کفش به پا داریم / هر چند / این کفش‌های کهنه‌ی مادرد می‌کند /  
ما با کفش‌های خستگی خود / از ره رسیده‌ایم / میراث باستانی ابراهیم / برشانه‌های  
ماست /... (تنفس صبح، ۱۳۸۷، ۱۶)

اما در «دوره‌ی دوم شعری او (از ۱۳۶۴ تا ۱۳۷۲) شاعر به مرحله‌ی کاملاً متفاوتی از حیات شعریاش پای می‌گذارد. در این دوره التهاب انقلاب و جنگ فروکش کرده و شاعر خسته از آرمان‌گرایی و پیکار ایدئولوژیک اکنون به گوشه‌ای خزیده و با نگاهی منفعل به آینده می‌نگرد» (فتوحی، ۱۳۹۰، ۴۳۵)

ما لبخند استخوانی خود را / در لابه لای زخم نهان کردیم / صد سال آزرگار / ماندیم /  
و زخم‌های خشک ترک خورده را / در متن لایه‌های نمک / خوابانیدیم / باشد برای روز  
مبادا /... (همان، ۲۶)

اما در شعرهای دوره‌ی سوم (از ۱۳۷۶ تا ۱۳۸۰) آن «من فردی» او که در دوره‌ی قبل کمی رنگ باخته بود از لایه‌های سطرهای شعر سرک میکشد. (همان، ۴۳۹) در این دوره (به ویژه شعرهای پس از جراحی سنگین شاعر در تصادف غم بار سال ۱۳۷۸ در جاده‌ی تنکابن در شمال ایران) صدای درونی شاعر بیشتر به گوش میرسد، او اینک خود را نیز به صبر و شکیبایی فرا میخواند و از تحمل دردی جانکاه میگوید:





چیزها/ از سنگ تا انسان/... (گل‌ها همه آفتاب گردانند، ۱۳۸۵، ۱۱)

#### ۱-۶- عزت نفس

انسان به معنای نفس کریم از نظر قیصر از ارزش زیادی برخوردار است و آنچه در نگاه شاعر، زخم خورده و شکسته است و به ترمیم نیاز دارد کرامت و عزت نفس آدمیست. او از اینکه فطرت خداوند که همان انسان است در اوج نیازمندی بر روی روزنامه که پیوسته از کرامت انسانها سخن می‌گوید، می‌خوابد، رنج می‌برد که می‌سراید: روزی که دست خواهش کوتاه/ روزی که التماس گناه است/ و فطرت خدا/ در زیر پای رهگذران پیاده‌رو/ بر روی روزنامه نخوابد/ و خوابان تازه نبیند/... (آینه‌های ناگهان، ۱۳۸۱، ۱۱)

و در جایی دیگر در رابطه با عزت نفس مردمی که پس از جنگ هنوز سرپا و محکم ایستاده‌اند،

هر چند خونین دل و زخم خورده چنین می‌سراید:

جنگل هنوز هم/ جنگل بود/ هر چند دردلش/ جای هزار خاطره تاول بود. (همان، ۱۱۸)

#### ۱-۷- انتظار

انتظار ظهور منجی از آن دسته ارزش‌هایست که میتوان آن را در زمره‌ی ارزش‌های غایی برشمرد. چرا که این امر در بیشتر ادیان پذیرفته و خواستنی است.

در جهان بینی زرتشت غلبه‌ی اهریمن بر اهورا مزدا، در دوران‌های قبل از سال دوازده هزار قطعی و اجتناب‌ناپذیر تلقی شده است (صانعی، ۱۳۷۲، ۶۱۳) و بالاخره با ظهور «سوشیانت» در آیین زرتشت و «مسیحا» در مسیحیت و یهودیت و در نهایت «حضرت مهدی (عج)» در اسلام، عدل و آزادگی و آسایش زروانی بر دنیا حاکم



او در شعرهای «روز مبادا»، «پیشواز»، «مهمانی»، «روز ناگزیر» (آیین‌های ناگهان، ۱۳۸۱) و «تغأل»، «سفر»، «یادگاری»، «نشانی»، «حاصل تحصیل»، «برای گل روی تو» (گل‌ها همه آفتاب گردانند، ۱۳۸۵) «عید»، «بفرمایید»، (دستورزبان عشق، ۱۳۸۷) به مسأله‌ی «انتظار» اشاره کرده است.

اما آنچه در اشعار او قابل تأمل است این نکته است که: او در شعرهای دورهی اول خود کمتر به مقوله‌ی انتظار پرداخته است، شاید به این خاطر که از انقلاب مدت زمان زیادی نمیگذرد و دفاع مقدس ارزش‌های زیادی را رو نموده است. اما با گذشت زمان و کم رنگ شدن ارزش‌های انقلاب و جنگ، اندک اندک شاعر جای خالی آنها را در جامعه احساس می‌کند و این درحالی است که ضد ارزش‌ها چنان پا گرفته‌اند که به دست‌های توانایی برای ریشه کنی آنها نیاز است.

## ۲- ارزش‌های نسبی

ارزش‌های نسبی، آن دسته ارزش‌هایی هستند که در فرهنگ‌ها و جامعه‌ها و زمان‌های معینی ارزش تلقی میشوند، مانند: خاموشی، مراسم سیزده به در، عیدهای ملی و مذهبی، زیارت عتبات عالیات، قناعت، فقر، ثروت، وارستگی، مهماننوازی، مالکیت، نژاد پرستی، شهادت و... (ستوده و شهبازی ۱۳۸۱، ۱۶۳) برخی از ارزش‌های شعر امینپور را میتوان زیر این عنوانها طبقه‌بندی کرد:

### ۲-۱- خاموشی

به طور کلی موقعیت ایدئولوژیک واژه‌ها در شعر امینپور، روشن و تعیین کننده‌ی موضع وی و نوع نگرش او به تحولات اجتماعی ایران است. نشانه‌هایی که در شعر دورهی اول او (۱۳۵۷-۱۳۶۷) دیده می‌شود، پژواک صریح صدای ایران در شعر



قناعت درمادیات فراتر رفته و به قناعت در چیزهای والاتری می‌اندیشد و آرزو می‌کند در عمر کوتاه خود به آنها برسد:

از عمر دو روزی گذران ما را بس / یک لحظه‌ی وصل عاشقان ما را بس / هر چند  
دعای ما اجابت نشود / هم صحبتی تو در جهان ما را بس / (در کوچه آفتاب، ۱۳۸۶، ۸۴)  
او در شعر فوق یادآوری می‌کند که عرض عمر به نسبت از طول عمر با ارزشتر است.  
و آن گاه که دردهای بی‌امان جامعه به او هجوم می‌آورند، او به برج عاج تنهایی  
خویش اکتفا می‌کند:

مرا قصر تنهایی و بی‌کسی بس / از این امن تر برج عاجی ندیدم (گل‌ها همه  
آفتاب گردانند، ۱۳۸۵، ۱۰۵)

### ۳-۲- شهادت

مرگ یکی از مسایل اصلی ذهن انسان و بزرگترین حقیقت است. نگرش آدمی به آن بیان‌کننده‌ی نوع جهانبینی اوست. در نگاه آرمانگرایانه‌ی قیصر مرگ (شهادت در راه اعتقاد) پیروزی است. پرداختن به این مقوله توسط شاعر، بسیار با تحولات اجتماعی - سیاسی که در جامعه جریان دارد هم‌سو است؛ به گونه‌ای که افعال مورد استفاده‌ی او در دوره‌ی اول شعری‌اش بسیار زنده و پویاست و روح حماسی در آنها جریان دارد: پیراهنی از شتاب خواهم پوشید / دیدار تو را به شوق خواهم نوشید / گر آتش صد هزار دوزخ باشی / ای مرگ، تو را چو آب خواهم نوشید؟ (در کوچه‌ی آفتاب، ۱۳۸۷، ۹۶)  
آن سان که نسیم برگ را میبوسد / یا حادثه‌ی زین و برگ را میبوسد / وقتی لب پلک خسته‌اش را میبست / گفتی که لبان مرگ را میبوسد (همان، ۹۴)

از شعرهای دوره‌ی اول که او به مقوله‌ی شهادت با نگاهی زنده و محرک و سرشار از بار احساسی مینگرد و همه‌نشانگر مبانی اعتقادی وی در این دوره‌اند، میتوان به



#### ۴-۲- عیدهای ملی و مذهبی

شاعر در کنار بیان دردها و کمبودها، سعی بر القای تعهد شاعرانه خویش دارد و از دیدن مسایل روزمره و توجه به آیین‌های ملی و مذهبی که آنها نیز جزیی از پیکره‌ی این اجتماعاند غافل نیست.

او در شعر زیر آمدن حضرت مهدی (عج) را به آمدن نوروز تشبیه می‌کند که در آن روز همه چیز پاک و بی‌آلایش است و کینه‌ها و غصه‌ها در آن روز دور ریخته میشوند: آهنگ آشنای صدای او/ مثل عبور نوروز/ مثل صدای آمدن روز است/... (آیین‌های ناگهان، ۱۳۸۱، ۱۰)

قیصر در رابطه با عید فطر چنین می‌سراید:

عید است و دلم خانه‌ی ویرانه بیا/ این خانه تکاندیم زیگانه بیا/ یک ماه تمام میهمانت بودیم/ یک روز به مهمانی این خانه بیا/ (در کوچی آفتاب، ۱۳۸۷، ۹۲)

#### ۵-۲- استقامت و پایداری

او در دوران جنگ، پیوسته با کلام حماسی خود، تعهد خویش را نسبت به امام (ره) و رزمندگان به نمایش می‌گذاشت و روح استقامت را در ایشان می‌دمید: اینان/ هرچند/ بشکسته زانوان و کمرهاشان/ استاده‌اند فاتح و نستوه/ بی‌هیچ خان و مان-/ در گوششان کلام امام است/ فتوای استقامت و ایثار-/... (تنفس صبح، ۱۳۸۷، ۳۵) اما گاهی خسته از ستیز با دشمن خانگی، از استقامت در مقابل دردهایی سخن می‌گوید که مجال گفتن آن نیست و باید آنها را تا روز مبدا حفظ کرد و دم نزد:

ما لبخند استخوانی خود را/ در لایه لای زخم نهان کردیم/ صد سال آزرگار/ ماندیم/ و زخم‌های خشک ترک خورده را/ در متن لایه‌های نمک/ خواباندیم/ باشد برای روز مبدا/... (همان، ۲۶)





امروز هم، هر چه بوده‌ایم، همانیم / ما صوفیان ساده‌ی سرگردان / درویش‌های گم شده‌ی دوره گرد... (گلها همه آفتاب گردانند، ۱۳۸۵، ۱۶)

و نیز در شعرهای «پرده خوانی» و «حیرانی» (دستور زبان عشق، ۱۳۸۷) بدین مسأله پرداخته شده است.

#### ضد ارزشها

ضد ارزش‌ها می‌توانند در مقابل ارزش‌های یک جامعه قرار گیرند و هر آن چه را که از نظر افراد یک گروه یا جامعه ناشایست و ناپسند تلقی گردد، را در بر گیرند. از نظر ستوده و شهبازی «مفاهیمی چون؛ ریا، دورویی، نان به نرخ روز خوردن، خوش ظاهر و بدباطن بودن، مکر ورزیدن، خودبزرگبینی، زورگویی، بیوفایی، گمراهی، عیب گرفتن، حسودی، سالوس و... ضد ارزش میباشند.» (۱۳۸۸، ۱۶۶)

#### ۱- ریا

نظر دکتر شریعتی در رابطه با ریاکاری این است که گاه «جیب» از «جبین» قدرت ایمان و اخلاص را بهتر نشان میدهد. (۱۳۶۱، ۴۴)

وقیصر نیز از همین دست ریا کاری‌ها که در جامعه‌ی کنونی شاهد آن است شکوه می‌کند و اینکه دیگر در این زمان هیچ کس خودش نیست. (دستور زبان عشق، ۱۳۸۷، ۷۷) این مضمون را به عنوان نمونه در شعر زیر می‌توان یافت:

اما / در روزهای ریخت و پاش لبخند / قصابکان پروار / و کاسبان و رسمی پروانه دار / لبخندهای یخ زده‌ی خویش را / بر پیشخان خود / به تماشا گذاشتند /... (آیین‌های ناگهان، ۱۳۸۷، ۲۶)

او از هر دینی که آلوده به ریا گشته، بی‌نیاز است. او حتی از شر دو رویی یاران خویش نیز در امان نیست، و برای فرار از این درد به درون خویش فرو می‌شود.

(همان، ۱۰۴، ۱۰۵)

او گاهی برای کودکان از دنیایی میگوید که همه، خوبی و زیباییست، دنیایی بسیار زیباتر از این دنیای پرنیرنگی که یا مردمان آن پیوسته در حال جنگ و خونریزیاند یا در حال ریاکاری:

خبرهای آن سوهمه سبزسبز / خبرهای این سوهمه سرخ و زرد / در آن سوهمه رنگ آرامش است / در این سوهمه رنگ نیرنگ و درد... (به قول پرستو، ۱۳۸۷، ۳۲)

## ۲- سودجویی

قیصر سعی می‌کند از «کشش‌های طبیعی زندگی که انسان را همواره به سوی سود میرانند» (شریعتی، ۱۳۶۴، ۲۵۲) به دور باشد. او شاعری متعهد است که به جز منویات فردی خویش، مسئولیتی بزرگ نسبت به جامعه بر دوش دارد. او از اینکه برای گرفتن صله دروغ بسراید بیزار است. نه مانند شاعرانی که به قول خودش غم میخورند اما غم آب و نان. (گلها همه آفتاب گردانند، ۱۳۸۵، ۹۰)

در شعر ذیل نیز این مضمون عنوان شده است:

این ترانه بوی نان نمیدهد / بوی حرف دیگران نمیدهد / سفره‌ی دلم دوباره باز شد / سفره‌های که بوی نان نمیدهد... (آینه‌های ناگهان، ۱۳۸۱، ۹۷)

## ۳- بی‌اعتمادی

به اعتقاد قیصر عصر کنونی، عصری است که در آن تجدد و نوآوری باعث از بین رفتن اعتمادها شده است و کاغذها و سندها در این میان جای اعتمادهای گذشته را گرفته‌اند:

ای کاش باد... / ای کاش باد این همه کاغذ را / میبرد! / ای کاش باد... / با / یک ذره

اعتماد / (گلها همه آفتاب گردانند، ۱۳۸۵، ۷۸)

او از اجتماعی می‌گوید که «اعتماد» در آن خطرناک است:  
فرزندم! رویای روشنت را/ دیگر برای هیچ کسی بازگو مکن!- حتی برادران  
عزیزت-... (دستور زبان عشق، ۱۳۸۷، ۱۲)

#### ۴- دنیا طلبی

قیصر شاعر وارستهای است که هرگز به دنبال مالاندوزی و دنیا طلبی نبوده است  
و دیگران را هم پند میدهد که پایان دنیا طلبی خاموشی و فراموشیست. (تنفس صبح،  
۱۳۸۷، ۴۸) و این دنیا که بسیاری طالب آنند، همه را به کام خویش فرو خواهد برد  
(آیین‌های ناگهان، ۱۳۸۱، ۷۰). او از دنیا طلبی شاعرانی که تعهد شاعرانه‌ی خویش را  
به فراموشی سپرده‌اند بیزار است:  
غم میخورند شاعرکان مثل آب و نان/ اما دریغ جزغم خوردن نمیخورند! (گلها  
همه آفتاب گردانند، ۱۳۸۵، ۹۰)

#### ۵- خودخواهی

او از خودخواهی انسانها که همه چیز را تنها برای خود میطلبند بیزار است:  
اگر نه سنگ/ اگر نه چشمواره‌های تنگ بود/ کدام خاره سنگ بود/ که تاب آبگینه  
دیدنش نبود؟... (همان، ۵۳)  
او در شعر «کشف قفس» (به قول پرستو، ۱۳۸۶) از خودخواهی انسان‌هایی  
می‌گوید که به حقوق دیگر مخلوقات خداوند دست یازیده‌اند و آزادی آنها را جهت  
خوش آمد خویش سلب نموده‌اند.



چه را که روزی آرمان میپنداشت به حرمان تبدیل شده است و درمانها درد شده‌اند.

(دستور زبان عشق، ۱۳۸۷، ۴۹)

با این حال قیصر شاعر «انقلابی»ست که میبایست و میباید در دورن آدمها اتفاق بیافتد تا آنها را از موجود بودن و اسیرزندگی نباتی بودن برهاند. قیصر شاعر دردهای مردم است، چه در زمان جنگ و انقلاب که درد مردم درد دوستی است و چه پس از آن که این دردها به دردهای پوستی بدل میشوند. او شاعری است که باید بسوزد و بسوزاند. اگرچه آرمانگراست اما اهل اتوپیا و آرمان شهر نیست. قیصر به کرامت انسانی میاندیشد و زمانی که این کرامت پامال ضدارزشها میگردد به رسم تعهد شاعرانه‌ی خویش ضد ارزشها را میکوبد و ارزشها را به یاد می‌آورد.



## منابع و مأخذ

- ۱- امین پور، قیصر؛ ۱۳۸۶؛ سنت و نوآوری در شعر معاصر؛ چاپ سوم؛ تهران، کتیبه.
- ۲- \_\_\_\_\_؛ ۱۳۸۱؛ آینه‌های ناگهان؛ چاپ چهارم؛ تهران، افق.
- ۳- \_\_\_\_\_؛ ۱۳۸۵؛ گلها همه آفتاب گردانند؛ چاپ هفتم؛ تهران، مروارید.
- ۴- \_\_\_\_\_؛ ۱۳۸۶؛ به قول پرستو؛ چاپ چهارم؛ تهران، افق.
- ۵- \_\_\_\_\_؛ ۱۳۸۵؛ مثل چشمه مثل رود؛ چاپ چهارم؛ تهران، سروش.
- ۶- \_\_\_\_\_؛ ۱۳۸۷؛ تنفس صبح؛ چاپ پنجم؛ تهران، سروش.
- ۷- \_\_\_\_\_؛ ۱۳۸۷؛ در کوچی آفتاب؛ چاپ چهارم؛ تهران، سروش.
- ۸- \_\_\_\_\_؛ ۱۳۸۷؛ دستور زبان عشق؛ چاپ هفتم؛ تهران، مروارید.
- ۹- بیرو، آلن؛ ۱۳۷۰؛ فرهنگ علوم اجتماعی؛ ترجمه باقرساروخانی؛ چاپ دوم؛ تهران، کیهان.
- ۱۰- ترابی، علی اکبر؛ ۱۳۸۳؛ جامعه‌شناسی ادبیات؛ چاپ چهارم؛ تبریز، فروزش.
- ۱۱- \_\_\_\_\_؛ ۱۳۴۱؛ مبانی جامعه‌شناسی؛ تهران، اقبال.
- ۱۲- حکیمی، محمدرضا؛ ۱۳۶۰؛ خورشید مغرب؛ چاپ اول؛ تهران، فرهنگ اسلامی.
- ۱۳- زرین کوب، عبدالحسین؛ ۱۳۷۲؛ شعر بی دروغ شعر بی نقاب؛ چاپ هفتم؛ تهران، علمی.
- ۱۴- سارتر، ژان پل؛ ۱۳۸۸؛ ادبیات چیست؛ مترجم ابوالحسن نجفی، مصطفی رحیمی؛ چاپ هشتم؛ تهران، باز.
- ۱۵- ستوده و شهبازی، هدایت الله و مظفرالدین؛ ۱۳۸۸؛ جامعه‌شناسی ادبیات؛ چاپ دوم؛ تهران، ندای آریانا.
- ۱۶- \_\_\_\_\_؛ ۱۳۷۶؛ گفتگوهای تنهایی (مجموعه آثار ۱۴)؛ چاپ هفتم؛ تهران، الهام.
- ۱۷- \_\_\_\_\_؛ ۱۳۷۳؛ درآمدی بر جامعه‌شناسی هنر (مجموعه آثار ۳۲)؛ چاپ

چهارم؛ تهران، الهام.

- ۱۸- صانعی، پرویز؛ ۱۳۷۲؛ جامعه شناسی ارزشها؛ تهران، گنج دانش.
- ۱۹- صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران؛ ۱۳۸۶؛ رسم شقایق؛ چاپ اول؛ تهران، سروش.
- ۲۰- ضیاء الدینی، علی؛ ۱۳۸۹؛ جامعه شناسی شعرنیم؛ چاپ اول؛ تهران، نگاه.
- ۲۱- فتوحی، محمود؛ ۱۳۹۰؛ سه صدا، سه رنگ، سه سبک در شعر قیصر امین پور؛ (مجموعه مقالات) همزاد عاشقان جهان؛ چاپ اول؛ تهران؛ مروارید.
- ۲۲- کوئن، بروس؛ ۱۳۷۸؛ مبانی جامعه شناسی؛ ترجمه غلامعلی توسلی و رضا فاضل؛ چاپ سوم؛ تهران، سمت.
- ۲۳- گلدمن، لوسین؛ ۱۳۸۳؛ جامعه شناسی ادبیات (دفاع از جامعه شناسی رمان)؛ ترجمه محمد جعفر پوینده؛ چاپ پنجم؛ تهران، هوش و ابتکار.
- ۲۴- محدثی خراسانی، زهرا؛ ۱۳۸۸؛ شعر آیینی و تأثیر انقلاب اسلامی بر آن؛ چاپ اول؛ تهران، مجتمع فرهنگی عاشورا.
- ۲۵- مریجی، شمس الله؛ ۱۳۸۷؛ عوامل مؤثر در انحراف از ارزشها؛ چاپ دوم؛ قم، دفتر عقل (پژوهش های صدا و سیما)
- ۲۶- مصدق، حمید؛ ۱۳۷۷؛ درفش کاویان؛ چاپ سوم؛ تهران، زمستان.
- ۲۷- وحید، فریدون؛ ۱۳۸۸؛ جامعه شناسی در ادبیات فارسی؛ چاپ دوم؛ تهران، سمت.